

نظام سرمایه داری در آستانه سال ۲۰۰۹

خسرو غلامی

شنبه هفتم دی ۱۳۸۷

در ساعت هشت و هشت دقیقه و هشت ثانیه، روز هشتم از هشتمین ماه سال ۲۰۰۸ و بنابر باورچینی ها، مبنی بر خوش یمن بودن عدد هشت، مشعل المپیک در پایتخت این کشور روشن شد. آنها برای برگزاری چنین رویداد بزرگی "سنگ تمام" گذاشتند و با نمایش یکی از زیباترین و جذاب ترین مراسم های افتتاحیه تاریخ المپیک، چند میلیارد نفر بیننده ای که بطور زنده شاهد آن مناظر بودند را متحیر کردند. بنظرمی رسید که چینی ها با استفاده از اعتقادات باستانی و سنتی، نورافشانی و نمایش های گوناگون رقص و آواز می خواستند به رقبای خود در دنیای سرمایه داری بگویند که آنها همچنان برای رسیدن به پله اول در اقتصاد جهانی، مصمم هستند و برای آن روز لحظه شماری می کنند. بی تردید هم اکنون نیز چین یکی از قطب های مهم اقتصادی نظام سرمایه داری است. عوامل زیادی از جمله اقتصاد متمرکز و با برنامه، منابع فراوان و غنی باعث رسیدن این کشور به چنین جایگاهی شد. اما همانطور که دیوار چین را بردگان برای ادامه حیات امپراطوری برده داران برای مقابله با قدرت های رقیب در دوران باستان ساختند، اقتصاد صنعتی و توسعه یافته کنونی چین، محصول نیروی کار ارزان طبقه کارگر این کشور است. سرمایه داران چینی برای تولید هر چه بیشتر ارزش اضافه و انباشت سرمایه، کارگران را از حقوق اولیه کار، مثل حق داشتن تشکل مستقل، محروم کرده اند و بنابر گزارش مراجع بین المللی، این کشور مقام اول را در مرگ کارگران بر اثر ناامنی محیط کار، بخصوص معادن را داراست. علاوه بر این بر اساس آمار سازمان ملل، سال گذشته میلادی ۳۰۰ میلیون نفر از مردم چین در زیر خط فقر زندگی را گذرانده اند.

دو ماه بعد از خاموش شدن مشعل المپیک پکن در شرق آسیا، برخی از شبکه های ماهواره ای تصاویر کوتاهی از غرب اروپا را به نمایش گذاشتند که در زیرنویس آن نوشته بود: " بلژیک، نمایشگاه ثروتمندان ". حرکت دوربین ابتدا فضای در بسته و مسقف و دکوراسیونی زیبا را نشان می داد که در آن انواع و اقسام کالاها و غذاهای مخصوص طبقات دارا چیده شده بود. سپس نشان دادن زیورآلات، از جمله جمجمه ای از الماس، لباس ها و غذاهای متنوع بود که چشم هر بیننده ای را خیره می کرد. فیلمبردار، مردان و زنان زیبا و شیک پوشی را در صفحه تلویزیون برای میلیون ها نفر به تصویر می کشید که ضمن قدم زدن، به غرفه های آشپزخانه می رسیدند و در آنجا کسانی با چنگال جدید ترین و لذیذ ترین غذاهای مخصوص بورژواها را بر دهان آنها می گذاشتند...

اما بیرون از فضای بسته نمایشگاه ثروتمندان، تصاویر فاجعه بار دیگری وجود دارد که شبکه های تلویزیونی جهانی به ندرت به سراغ آنها می روند. بنابر آمار رسمی در سال جاری میلادی، جمعیت کسانی که روزانه فقط با کمتر از یک دلار امرار معاش می کنند از مرز یک میلیارد نفر گذشت و همچنان صدها میلیون نفر در چهار گوشه ی کره زمین در فقر و گرسنگی بسر می برند. از همان ماه های اولیه سال، بیش از سی کشور به بهانه خشکسالی و در واقع

بدلیل بی برنامه گی دولت ها در تولید مواد غذایی و مصرفی مردم، دچار مشکل جدی شدند. هر روز در جهان، دهها کودک و پدر و مادرها یشان بدلیل نداشتن غذا، سوء تغذیه و نبود امکانات بهداشتی و درمانی قادر به ادامه زندگی نیستند. در معادن کشورهای آفریقایی که الماس استخراج می شود تا زیباترین و ظریف ترین آن را فرزندان سرمایه داران استفاده کنند، هر روز چندین کارگر زیر آوار می مانند و مدفون می شوند. روزانه هزاران نفر درزباله دانی های شهرهای بزرگ دنیا، دنبال چیزی برای خوردن هستند و شب ها را داخل کارتن و در خیابان های منتهی به برج ایفل پاریس، نیویورک، لندن، دهلی نو و دیگر پایتخت های غول پیکر سرمایه داری، بسر می برند.

آنچه که در سطور بالا آمد تنها بخشی از فجایع و فاصله طبقاتی شدیدی است که اقتصاد سرمایه داری با پرچم بازار آزاد و لیبرالیسم نوین، در سال جاری میلادی برای بشریت به ارمغان آورده است. اقتصادی که ماحصل آن ثروتمند شدن اقلیت سرمایه دار و فقیرتر شدن اکثریت مردم دنیا است. در این سال همچنان بیشتر کشورهای جهان از امریکای لاتین تا آفریقا، اروپا و آسیا، مقروض بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، این مراکز سرمایه امپریالیستی بودند. بعبارتی مردم این مناطق، بخشی از درآمد سرانه خود را باید برای بازپرداخت دیون دولت های خود به قدرت های صنعتی بزرگ، پردازند.

درسالی که آخرین روزهای آن در حال سپری شدن است، سرمایه داری جهانی همچنان با رقابتی لجام گسیخته، کره زمین را به زرادخانه ای از انواع و اقسام سلاح ها و مهمات مخرب و ویران کننده، تبدیل کرده است. این در حالی است که هم اینک مردم در مناطق مختلفی از جهان، مثل خاورمیانه در جنگ و خونریزی بسر می برند و باید قربانی توحش و رقابتی شوند که کارتل ها و تراست های سرمایه داری، برای انباشت فوق سود امپریالیستی با هم دارند. آنها با به راه انداختن جنگ هایی خونین، آخرین دستاوردهای خود در زمینه تولید صنایع نظامی را بر روی سر مردم بی دفاع کشورهای مثل افغانستان و عراق آزمایش می کنند. گروه های مسلح، کارگر عراقی، افغان و فلسطینی را هنگام بازگشت از محل کار، فقط به دلیل داشتن مذهب و نژاد متفاوت از سرویس پیاده می کنند و به رگبار می بندند. و یا اگر درجنگ شانس زنده ماندن داشته باشند، کوله باربردوش و همراه زن و بچه هایشان، آواره سرزمین های دیگر میشوند. علاوه بر اینها، یکی از مهم ترین رویدادهای سال ۲۰۰۸، بحران اقتصادی عظیمی است که در نیمه دوم این سال، بیشتر مناطق جهان را فرا گرفت و در آخرین روزهای پایانی سال، همچنان عواقب و عوارض آن، زندگی و معیشت مردم دنیا را تحت تاثیر خود قرار داده است. اگر چه این بحران با نابسامانی مالی بانک های امریکا در بخش مسکن این کشور آغاز شد، اما خیلی زود رکود به بخش های مختلف، از جمله صنایع تولیدی، کشیده شد و به سرعت دیگر کشورها را نیز در بر گرفت.

با گسترش بی سابقه دامنه این بحران و وخیم تر شدن اقتصاد جهان، اکنون روشن شده است که برای بررسی علل این اوضاع، نباید دنبال اشتباه در برنامه ریزی اقتصادی و یا اختلاس در سیستم بانکی سرمایه داری و دلایل سطحی دیگر رفت؛ بلکه ریشه این بحران را باید در ساختار این نظام جستجو کرد. نظام اقتصادی که مناسبات تولید در آن نه بر اساس نیازهای جامعه بشری، بلکه مبتنی بر کسب سود و باز هم سود بیشتر است. یکی از اصول اساسی این سیستم، هرج و مرج در تولید و رقابتی لجام گسیخته برای انباشت سرمایه است. بنابراین این نظام اقتصادی، همواره بعد از یک دوره رونق و شکوفایی، دچار رکود شده و " بحران ادواری " آن آغاز می شود.

اخراج میلیون ها کارگر در مراکز مختلف کارگری جهان و بیکار سازی های گسترده در بخش هایی همچون کارخانه های اتومبیل سازی، از نتایج زیان بار این دور جدید بحران برای طبقه کارگر است. علاوه بر این کم شدن هزینه های عمومی از طرف دولت ها، شرایط زندگی مردم را با مشکلات همه جانبه ای مواجه کرده است. چرا که سرمایه داران میخواهند سنگینی بار ضرر و زیان خود را به دوش طبقات پایین جامعه بیندازند.

امروز و در آستانه سال ۲۰۰۹، در چهارگوشه ی جهان جنبش اجتماعی گسترده ای از کارگران و دیگر اقشار فرودست جامعه سرمایه داری، در مقابل تمام نابرابری های این نظام شکل گرفته است. این حرکت عظیم را هم اکنون در کارخانه ها، فرودگاه ها، بنادر و خیابان های شهرهای شیکاگو، برلین، آتن، داکار، برازیلیا، استانبول، پرتوریا و دیگر مناطق دنیا، می توان مشاهده کرد. توده های مردم دیگر نمی خواهد تاوان بی کفایتی و سیاست های غلط سرمایه داران را بدهند و قربانی جنگ، فقر و گرسنگی بشوند. بدون شک یک جنبش وسیع اجتماعی و قدرتمند بین المللی، همچون اوایل قرن گذشته، که دنیا را به لرزه در آورد، میتواند تهاجم نظام سرمایه داری به کار و زندگی مردم در سراسر جهان را به عقب براند.

خسرو غلامی

اول دی ۸۷

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

www.komitteyehamahangi.com

komite.hamahangi@gmail.com